

از گوشه و کنار

● در اهمیت صداقت و دقت در ترجمه

پس از پایان مسابقه تیمهای ملی فوتبال ایران و استرالیا در ملبورن، مفسر تلویزیون استرالیا در حالی که از شکست تیم کشورش بسیار ناراحت بود، اعلام کرد که گزارشگر برنامه با ستاره مسابقه خداداد عزیزی از طریق مترجم حضوری گفتگویی انجام داده است. متن این گفتگو، درست همانگونه که از تلویزیون استرالیا پخش شده و بی هیچ داوری، در زیر از نظر خوانندگان می گذرد:

گزارشگر:

Could you ask Azizi he's just got the feelings of 18 million Australians. How does he feel?

مترجم: میگه چه احساسی داری موقعی که آمدی استرالیا و الآن می خواهی چیکار کنی؟

عزیزی: من خوشحالم از این که استرالیا یک جایی شده که باعث شادی تمام ایرانیها شد.

Ya! He's telling this is the best place for Iranian pleasure. Here, your country.

گزارشگر:

Does he fell that Australia was the better side of the night and perhaps Iran was a little bit lucky?

مترجم: میگه شاید ایران خوش شانس بود که اینجا اینطور شد (می تونی بگی راجع به اینها که اونجا چقدر شانس آوردن).

عزیزی: اینجا استرالیا بهتر از ما بازی کرد. شاید حقش برد بود. ولی توی ایران هم ما خیلی بهتر از استرالیا بازی کردیم.

In Iran we played better than Australia but here Australia better than Iran. Both of us we had chance but we took more.

گزارشگر:

Just one more question, Iran seems to be a better side when are they down. Why? Why is it?

مترجم: میگه چرا شما طول کشید تا بباید به قهرمانی برسید.

عزیزی: ما یک مقدار مشکل روحی داشتیم توی دور مقدماتی بخاطر مربی قدیمی مان ولی بعد از تعویض مربی مان من فکر می کنم بچه های ما مقابل استرالیا توی ایران و اینجا یک بازی نسبتاً خوبی انجام دادند.

After changing our coach we have gone better and better and we hope in France we will do better.

● از نرم افزارهای ترجمه انتظار معقول باید داشت *

ترجمه: سید محمد حسینی

در باره بی فایده بودن ترجمه ماشینی لطیفه های زیادی ساخته اند. می گویند سازمان سیا میلیونها دلار صرف ساخت برنامه ای رایانه ای کرد که بتواند متون روسی را به انگلیسی ترجمه کند، اما حداکثر کاری که این برنامه توانست بکند، ترجمه ضرب المثل معروف روسی *The spirit is willing but the flesh is weak* بود. هر چند این داستان حقیقت ندارد، ترجمه ماشینی بی تردید اشتباهات خنده آوری مرتکب شده است. ترجمه ماشینی از همان آغاز با ادعاهای گزاف و انتظارات ناممکن همراه بوده است.

این تصورات ناممکن هنوز هم وجود دارند. اما محققان ژاپنی - شاید به انگیزه از میان برداشتن موانع زبانی که به نظر می رسد در ارتباط دانشمندان آن کشور با دانشمندان سایر کشورها سدی ایجاد می کند - گامهای بلندی در جهت ساخت برنامه های رایانه ای کارآمد برداشته اند. در حال حاضر در غرب نیز از کار آنان تقلید می شود.

تا همین اواخر برنامه های رایانه ای ترجمه، عمدتاً مورد استفاده کارخانه های تولیدی ژاپنی بود. تولیدکنندگان برای تهیه کتابچه راهنمای اجناس خود به زبان انگلیسی به ماشین ترجمه متوسل می شوند. (شاید دلیل سردرگمی بسیاری از غریبه ها هنگام خواندن دفترچه راهنمای وسایل صوتی ژاپنی همین امر باشد.) مشهورترین برنامه ترجمه ماشینی E-J Bank است که توسط نوبو آکی کامه جیما، معجزه گر گوشه نشین نرم افزار، در آزمایشگاههای AI در توکیو طراحی شده است. اما اکنون بازار بزرگتری در انتظار ترجمه ماشینی است. رواج ناگهانی زبانهای خارجی (بویژه ژاپنی و آلمانی) در اینترنت، ترجمه ماشینی را به حرفه ای پول ساز بدل خواهد کرد. طی سه سال گذشته تعداد مؤسساتی که خدمات ترجمه ارائه می دهند، بسیار تنزل یافته و همچنان در حال کاهش است. نرم افزارهای ترجمه ماشینی که برخی از آنها توسط شرکتهای غیر ژاپنی نوشته شده، امروزه در دسترس افرادی قرار گرفته است که با زبانهای متعدد موجود در اینترنت آشنایی ندارند.

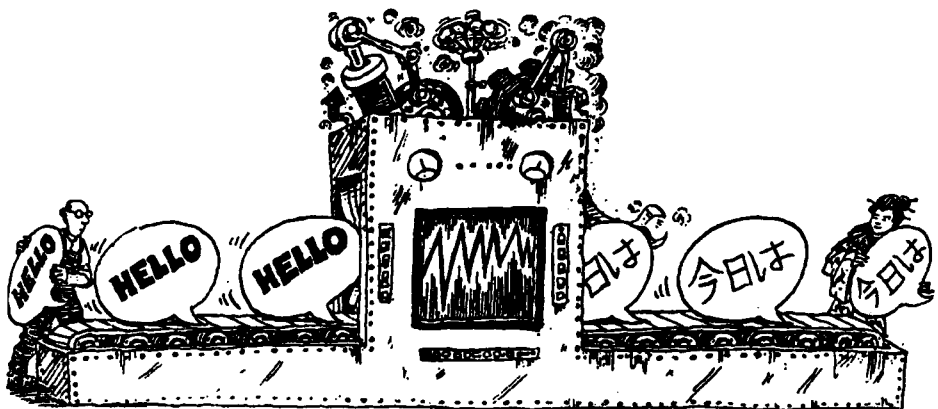
فکر ترجمه ماشینی اولین بار در سالهای دهه ۱۹۳۰ مطرح شد، اما هیچ پیشرفتی در این زمینه صورت نگرفت، تا اینکه در سال ۱۹۴۶ یک ریاضی دان آمریکایی به نام وارن ویور در پی کشف این نکته برآمد که انگلیسیها چگونه از رایانه اولیه خود موسوم به colossus برای گشودن رمزهای نظامی ماشینهای رمز نویسی آلمان استفاده می کنند. ویور در یادداشتی به رئیس بنیاد را کفلر، که برای آن کار می کرد، چنین نوشت: "در برابر من متنی دارم که به زبان روسی نوشته شده، اما دوست دارم فکر کنم که این متن به واقع به انگلیسی نوشته شده و با علامتهای عجیبی به رمز درآمده است. تنها کاری که برای بازیابی اطلاعات موجود در متن باید بکنم گشودن این رمزهاست."

اولین "موتورهای ترجمه" همگی بر پایه روش مستقیم به اصطلاح "مبدل" قرار داشتند. جملات ورودی زبان مبدأ با استفاده از یک روش ساده تجزیه به جملات خروجی زبان مقصد تبدیل می شدند. تجزیه گر با تجزیه جمله زبان مبدأ به فاعل، فعل، مفعول و غیره تحلیلی اولیه از آن به دست می داد. سپس کلمات جمله مبدأ با کلمات جمله مقصد که از فرهنگ لغت انتخاب می شدند جایگزین شده و به گونه ای مرتب می شدند که با قواعد زبان مقصد سازگار باشند.

این کار ساده به نظر می رسد اما ساده نبود. مشکل روش ویور را بار هیلل (Bar Hillel) به طور موجزی خلاصه کرده است. بار هیلل زبان شناس و فیلسوفی بود که می خواست بداند ماشین جمله "The pen is in the box." و جمله "The box is in the pen." را چگونه تحلیل می کند.

اهل زبان اینگونه ابهام ها را به یکی از دو طریق زیر حل می کنند: یا با توجه به پس و پیش عبارت و یا با استنتاج معنی بر اساس دانشی که از جهان خارج دارند. در مورد فوق این دانش عبارت است از اینکه جمعیه بزرگتر از pen (ابزار نوشتن) و کوچکتر از (آغل حیوان) است، و اینکه اجسام بزرگتر درون اجسام کوچکتر جا نمی گیرند. احتمالاً رایانه هایی که ویور و دانشمندان پس از او در اختیار داشتند نمی توانسته اند از عهده حل این مسأله بر آیند. اما رایانه های جدید که قدرت پردازش بیشتر و حافظه قویتر دارند قادر به انجام این کار هستند. موتورهای ترجمه این رایانه ها قادرند با استفاده از آنچه که "دانش زبانی" خوانده می شود روشی غیر مستقیم اتخاذ کنند. و به دلیل استفاده از همین ابزار است که مؤسسه نئوکورتک مستقر در سن دیه گو توانسته است سونامی و تایفون را طراحی کند، این نرم افزار اولین نرم افزار ترجمه زبان ژاپنی است که در محیط (انگلیسی) استاندارد میکروسافت ویندوز به اجرا در می آید.

نرم افزارهای ترجمه مجهز به دانش زبانی دو دسته قاعده دستوری دارند: یکی برای زبان مبدأ و یکی برای زبان مقصد. از این گذشته این نرم افزارها بدلیل اینکه حاوی اطلاعات زیادی در مورد تفاوت های اصطلاحی بین دو زبان هستند مانع از بروز اشتباهات مضحک می شوند.



اولین دسته از قواعد دستوری از طریق تجزیه گر برای تجزیه و تحلیل جملات ورودی مثلاً "من هر روز روزنامه می خوانم" مورد استفاده قرار می گیرد. جمله با استفاده از نمودار درختی تجزیه می شود که این درخت روابط ساختاری بین اجزای آن را نشان می دهد. ("من" فاعل، "هر روز" قید، "روزنامه" مفعول، "می خوانم" فعل). تا اینجا این فرایند شبیه فرایندی است که ویور در نرم افزار خود به کار می برد. اما از اینجا به بعد مسائل پیچیده تر می شود. مولدی (تجزیه گری در جهت عکس) وارد کار می شود تا جمله را در زبان مقصد تولید کند. مولد این کار را با استفاده از فرهنگ لغت و دستور تطبیقی انجام می دهد - دستور تطبیقی مجموعه ای از قواعد است که تفاوت هر جزء جمله زبان مبدأ را با معادل آن در زبان مقصد توصیف می کند. بدین ترتیب بین زبان مبدأ و مقصد پلی کشیده می شود که بر ژرف ساخت جمله استوار است.

نرم افزارهای ترجمه مجهز به دانش زبانی علاوه بر اینکه دقیق اند، در اصل دوسویه نیز باید باشند، یعنی باید بتوانند در جهت عکس و از زبان مقصد به زبان مبدأ نیز ترجمه کنند. در عمل مشکلاتی وجود دارد که نمی گذارند این امر آنطور که باید و شاید تحقق یابد.

تسونامی و تایفون که اساساً برای استفاده در رایانه های شخصی طراحی شده اند، از حافظه به نحو بسیار خوبی استفاده می کنند. به طوری که با استفاده از رایانه های شخصی پیشرفته، می توان ساعتی سیصد هزار کلمه ترجمه کرد. آیا این نرم افزارها با فشار انگشتان شما بر صفحه کلید رایانه ترجمه کاملی به دست می دهند؟ بدیهی است که نه. اما ترجمه خامی به دست مترجم کارآموزده می دهند که کار ترجمه را بسیار ساده تر می کند. اشتباه محققان اولیه این بود که انتظار داشتند ترجمه ماشینی باید کاملاً بی نقص باشد. اما اکنون که انتظارات، معقول تر و واقع بینانه تر شده، نرم افزارهای ترجمه ماشینی نیز روز به روز شکوفایی بیشتری پیدا می کنند.

● توصیه های مترجمی حرفه ای*

ترجمه و تلخیص: رضا لاهوتی

هر مترجم با تجربه ممکن است به سالهای گذشته فعالیت حرفه ای خود بنگرد و با خود بیندیشد: "چه راه درازی را طی کرده ام!" همه ما اشتباهات فاحش خود را به یاد می آوریم، این اشتباهات نه به سبب کاستی های مربوط به دانش زبانی ما، بلکه به سبب ضعف داوری است. برخی، در طول سالهای ترجمه، قدرت قضاوت صحیح را کسب می کنند؛ اما برخی دیگر گویی هرگز آن راه به دست نمی آورند. ماهیت این قضاوت چیست که سبب تفاوت مبتدی بی تجربه با مترجم حرفه ای بلند مرتبه می شود؟ تا چه اندازه می توان آنرا آگاهانه بدست آورد؟ آنان که هرگز اضطراب ترجمه متنی نامفهوم را نداشته اند ممکن است فکر کنند که ترجمه،

* - نویسنده این مقاله جین داتا ویراستار ترجمه های انگلیسی و مسؤول بخشهای مرجع و اصطلاح شناسی مؤسسه پیشرفت صنعتی سازمان ملل متحد در وین است.

حرفه‌ای است از نوع پُبر و بدوز. Le chat est noir = The cat is black = گربه سیاه است. در جایی که کلمات و ساختارهای زبان مبدأ به دور از ابهام به کار رفته باشند، و در جایی که کلمات و ساختارهای زبان مبدأ بر کلمات و ساختارهای زبان مقصد منطبق باشند، توان جمله‌سازی کامپیوتری لاشعور نیز می‌تواند بدون نیاز به ذوق سلیم یا توانایی تصمیم‌گیری مشکل را حل کند. ولی در دنیای واقعیات، ترجمه چیز دیگری است و ببر و بدوز چیزی دیگر.

چه راهی را می‌توان پیش پای مترجم تازه کاری گذاشت که در گرداب متن زبان مبدأ غوطه می‌خورد و به هر علت نمی‌تواند از عهده آن برآید؟

قاعدتاً، اولین تمایل مترجم آن است که عمدتاً توجه خود را بر مشکلات زبانی متن اصلی که در مقابل او قرار دارد، متمرکز کند. اگر بفهمید که متن چه می‌گوید، می‌توانید آنرا به سرعت ترجمه کنید. تئوری هم همین را می‌گوید. در حقیقت ما باید شعار "قبل از اینکه پبری، نگاه کن" را سرمشق خود قرار دهیم، و برای تجزیه و تحلیل متن وقت صرف کنیم. توجه به دو جنبه دیگر نیز اهمیت خاصی دارد، یکی آنکه چه کسی ترجمه را می‌خواند، دیگر آنکه ترجمه غلط چه مشکلاتی برای مترجم پیش می‌آورد.

یکی از مشکلات عمده ترجمه‌هایی که قرار است چاپ و منتشر شوند این است که خوانندگان آن ممکن است بسیار متنوع باشند. در این صورت، مترجم باید در نظر آورد که خوانندگان ترجمه او احتمالاً چه کسانی هستند و با توجه به مهارت‌های زبانی احتمالی خوانندگان و دانش آنان در مورد موضوع ترجمه، کار خود را انجام دهد.

وقتی مترجم خوانندگان ترجمه خود را در نظر گرفت، باید فکر کند که این ترجمه به چه کار خواهد آمد و اگر به سامان نیاید چه اتفاقی می‌افتد. این دو آشکارا با هم ربط دارند.

با توجه به نوع متن و خواننده، مترجم می‌تواند تحقیق بیشتری در زمینه موضوع متن انجام بدهد. ترجمه متنی که فردی کارشناس آن را نوشته یا متنی که از منبعی مهم و معتبر گرفته شده بسیار متفاوت است با ترجمه متنی که نوشته فردی عامی است — و نظایرش فراوان است — یا نوشته فردی است که سخنش مأخذی ندارد. وقتی انسان به متنی نامفهوم، نوشته فردی کارشناس، برمی‌خورد بلافاصله نامفهوم بودن متن را به نادانی خود نسبت می‌دهد، و در بدر در پی توضیحی می‌گردد؛ ولی وقتی نویسنده متن فردی انتقاد بردار است، انسان ممکن است برای یافتن اشکالات موجود در آن اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد.

روزی یکی از همکارانم در حاشیه چرکنویس ترجمه‌اش نوشت: "اگر این جمله اصلاً معنایی داشته باشد، معنایش همین است!" و در حاشیه یک قطعه دیگر نوشت: "این اشتباه است!" او این یادداشتها را برای ویراستارش نوشته بود، اما متأسفانه این ترجمه فوری بود و مترجم خبر نداشت، در نتیجه چرکنویس ترجمه به صاحب آن بازگردانده شد، که اتفاقاً خود نویسنده متن بود. منشی بدون

اینکه نگاهی به آن بیندازد آنرا فتوکپی کرده بود. مترجم بیچاره به سرعت احضار و توبیخ شد و رسماً گفت که حاشیه نویسی هایش غلط بوده است. نتیجه اخلاقی این داستان این است که درک این نکته که نویسنده به خطا رفته، مهم است، اما دم برنیاوردن مهم تر از آن است!

نوع متنی که قرار است ترجمه شود معمولاً تا حدی واضح است – گرچه این مسأله هم گاهی مورد اختلاف است. نوع متن ارتباط مهمی با روش ترجمه دارد. مثلاً در مورد متون تبلیغاتی که پیام اصلی در اغلب موارد پنهان است تا آشکار، ترجمه مستقیم و لغت به لغت نادرست است. در حقیقت، بهترین ترجمه، اصلاً ترجمه نیست، به سخن دقیق تر، ترجمه باید اقتباس باشد. آشکار است که مقاله‌ای در مورد فیزیک حساب دیگری دارد ... و متون مربوط به موافقت‌نامه‌ها یا متون سیاسی و حقوقی نیز روشی خاص خود را می‌طلبند.

وقتی نکات فوق‌الذکر برای مترجم روشن شد، آن وقت باید در چند مورد مهم تصمیم‌گیری کند. مثلاً، صرف چقدر زمان و نیرو برای درک معانی نکات مبهم متن اصلی، عاقلانه و یا لازم است؟ این تا حدی به فوریت ترجمه، و تا حدی به کاربرد ترجمه و نویسنده متن اصلی بستگی دارد. مسأله دیگری که احتیاج به تصمیم‌گیری دارد این است که تا چه اندازه می‌خواهیم به متن اصلی وفادار باشیم. در اینجا نوع متن اهمیت دارد: روش ترجمه شرح پشت جلد کاملاً با روش ترجمه گزارش مراحل آزمایش دارویی جدید تفاوت دارد. این که چه کسی متن اصلی را نوشته است و چه کسی ترجمه را خواهد خواند نیز مباحثات قضایا هستند. متن اصلی که سهل‌انگارانه نوشته شده شاید نیاز به ویراستاری داشته و ترجمه آن دشوارتر باشد، مخصوصاً وقتی که احتمال می‌رود خواننده، ترجمه را پایه تصمیم‌گیری‌های مهم قرار دهد. شاید نکته مهم در قضایا، این باشد که اصلاً ترجمه بکنیم یا نکنیم. اگر متنی کاملاً چرنداست، شاید غیر قابل ترجمه باشد، اما مترجمی که ترجمه آنرا به عهده می‌گیرد، ممکن است بخاطر آن ترجمه مهملی که خوانندگان او را مسؤول آن می‌دانند، نکوهش بشنود.

سالها قبل، زمانی برای ترجمه متنی برای جلسه‌ای درباره قطعنامه‌ای سیاسی و مهم که نمایندگان در مورد آن نظرات مختلفی داشتند، سخت و به مدت طولانی کار کردم، ولی وقتی که دریافتیم که این متن مورد قبول واقع نشده، و یکی از علل رد شدن آن ظاهراً غیر واضح بودن ترجمه انگلیسی بوده است، بسیار ناراحت شدم. با ناراحتی به رئیس شکایت کردم، و او خمیازه‌ای کشید و گفت، "خوب بله! البته ما باید گاهگاهی سعه صدر هم داشته باشیم. از این گذشته، گاهی آنان نمی‌خواهند نوشته‌ای را بپذیرند، اما مایل نیستند علت اصلی را بیان کنند. از همه مهمتر، نمی‌خواهند یکدیگر را بخاطر شکست طرحشان سرزنش کنند." این باعث شد که به دریافت تازه‌ای از وظایف مختلف و پنهانی که ترجمه می‌تواند انجام دهد، برسیم! گاه به نظر می‌رسد هر کس که می‌تواند، مخصوصاً نویسنده، ممکن است شانه از زیر بار مسؤولیت خالی کند و اشکالات متن ترجمه شده را به مترجم نسبت دهد.

اگر تقصیر را به گردن مترجم بیندازند، باید بدانند چگونه خود را خلاص کند. راههای مختلفی

وجود دارد که به دو مورد آن اشاره می‌کنم:

۱- از درگیری پرهیزید. اگر مترجم بخت آن را داشته باشد که با منتقدی احتمالی گفتگویی دوستانه درباره ترجمه داشته باشد می‌تواند از درگیری پرهیز کند. مترجم می‌تواند توجه او را به ابهامات و مشکلات موجود در متن اصلی جلب کند. می‌تواند روشن کند که چه کسی مسؤول اشکال موجود است، و در صورت لزوم می‌تواند با توضیح معانی ضمنی کلمات از بروز ناراحتی‌ها جلوگیری کند، و می‌تواند از منتقد سؤال کند که پیشنهادش برای رفع مشکل چیست. اگر، چنانکه بسیار محتمل است، هیچ پیشنهاد مفیدی ارائه نشد، برای مترجم فرصتی عالی است که پیشنهادی بدهد: آنرا حذف کنید، لغت به لغت معنی کنید، به زبان اصلی و با حروف ایتالیک بنویسد... شما می‌توانید هر چه را که برایتان مناسب‌تر است پیشنهاد کنید، البته راه حل عاقلانه باشد. اگر منتقد با پیشنهاد موافقت کند، مترجم تقریباً موفق است. دست کم آن منتقد دیگر ساکت می‌شود، و از مترجم سلب مسؤولیت می‌شود.

۲- برای خود آبرو بخريد. هر چقدر تعداد انتقادات احتمالی، از طرف کسانی که به آنها هیچ دسترسی نیست، بیشتر باشد، ضرورت حفظ شهرت شغلی از راه خریدن آبرو بیشتر احساس می‌شود. مانند آنچه در مورد پرهیز از درگیری‌ها گفته شد، اول از همه باید به بررسی و تحلیل ابهامات و مشکلات پرداخت. مشکل و نحوه ترجمه آن را توضیح دهید و یا توضیحی جدا از متن ترجمه شده برای روشن ساختن مطلب ارائه دهید. برخی از متون زبان اصلی ممکن است آنقدر ضعیف یا گنگ باشند که مترجم بخواهد آشکارا و قبل از پذیرفتن مسؤولیت ترجمه خود را تبرئه کند.

تقصیر را به گردن دیگری انداختن یا رسماً خود را توجیه کردن شاید ضروری نباشد. پانوش دادن و سلب مسؤولیت از خود بهترین راه است، مخصوصاً وقتی که متن زبان اصلی اهمیت قانونی یا اقتصادی دارد یا مبنای تصمیم‌گیری‌های مهم است. وقتی که متن اهمیت چندانی ندارد یا وقتی که ابهامات و اشکالات نسبتاً جزئی هستند، کافی است که مترجم مطمئن باشد که می‌تواند برای آنچه می‌نویسد دلیل بیاورد. این به معنای درک و تحلیل ابهامات و اشکالات متن است، اما این بار مترجم بجای خودداری از ابراز عقیده، باید در هر مورد دقیق‌ترین معادل -یا نزدیک به دقیق‌ترین معادل- را انتخاب کند و آن را در متن به کار برد. بدین ترتیب، هر تصمیمی مستدل است و مترجم می‌تواند محکم به انتقادات احتمالی پاسخ دهد. □